**فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام**

**شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره یازدهم (تابستان ۱۴۰۱)**

# بررسی نقش و تاثیر نظام آموزش عالی در تحولات اقتصادی و اجتماعی در عرصه جهانی

(تاریخ ارسال ۱۴۰۰/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۶/۲۰)

**هدایت تاری**

رییس آموزش پرورش ناحیه دو استان کرمانشاه

## چکیده

آموزش‌عالی، معرف نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم آوردن و ارتقاء بخشیدن دانش، مهارت‌ها و نگرش‌ها به توسعهٔ اقتصادی کمک می‌کند. آموزش عالی، به طور قطع نه تنها موجب ترویج دانش می‌شود بلکه با پیشرفت‌های تحقیقاتی، تکنولوژیک و علمی، دانش جدید نیز به وجود می‌آورد. بررسی مختصری از اصلاحات آموزشی در اکثر کشورهای جهان روشنگر این نکته است که یکی از جنبه‌های مهم این اصلاحات تلاش برای ایجاد پلی بین نظام آموزشی و نظام اقتصادی آن جوامع است. به هرصورت باید اذعان داشت آموزش عالی از جهات مختلفی در تمامی ابعاد توسعه نقش اساسی دارد. به همین دلیل در این مقاله قصد داریم به بررسی نقش و تاثیر نظام آموزش عالی در تحولات اقتصادی و اجتماعی در عرصه جهانی بپردازیم. روش مطالعه در این مقاله تحلیلی توصیفی بوده و به صورت مطالعه اسنادی با بهره گیری از اصول تحلیل محتوا بوده و با بحث در خصوص موضوعات تغییرات ساختاری در آموزش عالی، سیستم ابداعات ملی و نقش دانشگاه ها در تولید و گسترش آن، نقش محوری دانشگاه ها در تولید و گسترش سرمایه انسانی، تغییر در چشم انداز دانشگاه ها و تحول در شکل و محتوا، و نیز چالش های فراروی آموزش عالی در قرن جدید را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در پایان نیز براساس مطالب عنوان شده در مقاله پیشنهاداتی ارائه گردیده است.

**واژگان کلیدی:** آموزش عالی، تعلیم و تربیت، دانشگاه، تحولات اقتصادی، سرمایه انسانی

## بخش اول: کلیات

فرآیند تحول در جهان هم از دانشگاه ها شروع میشود و هم به دانشگاه ها ختم میگردد. دانشگاه ها در یک سو با تولید دانش و اطلاعات، امکان تولید تجهیزات و امکانات جدید را بوجود می آورند و محصولات متنوع تولیدی جهان نتیجه عملی فرایند تولید دانش و تجهیزات تخصصی هستند، و از سوی دیگر با تغییر فضای فرهنگ و اقتصاد اجتماعی و ایجاد تحولات بعدی که در اثر افزایش ذخیره دانش بشر صورت میگیرد، مجددا" این دانشگاه ها هستند که تغییرات بوجود آمده را به عنوان سوال اساسی مورد نقد و بررسی و دست مایه تولید دانش جدید مینمایند. با این حال همواره این سوال محوری مطرح است که آیا دانشگاه ها در فرایند تغییر و تحول اجتماعی و اقتصادی، توانایی و انعطاف پذیری لازم را برای تطبیق خویش با شرایط بوجود آمده دارند، و در مرحله عالی تر آیا دانشگاه ها توان و امکان برنامه ریزی و ساختن آینده را دارند؟

روند تغییرات ساختاری در آموزش عالی طی چند دهه گذشته

| ردیف | از | به |
|---|---|---|
| ۱ | تعداد دانشجویان (در سال ۱۹۶۰ ، ۱۳ میلیون نفر) | افزایش تقاضا برای آموزش عالی ( در سال ۱۹۹۵ ، ۸۲ میلیون نفر ) |
| ۲ | غلبه دانشجویان پسر | گسترش حضور دانشجویان دختر |
| ۳ | آموزش ادبیات، علوم انسانی، علوم محض و حرفه های آزاد مثل حقوق و پزشکی | گسترش آموزشهای فنی، حرفه ای و کاربردی مثل علوم ارتباطی، زیست محیطی، تنوع رشته ای، میان رشته ای و فرا رشته ای |
| ۴ | دانشگاه نخبه پرور | توده ای شدن آموزش عالی |

| | | |
|---|---|---|
| ۵ | نقش و کارکرد محدود آموزشهای رسمی | تنوع نقش و کارکرد،آموزشهای پاره وقت، کوتاه مدت، آموزش از راه دور |
| ۶ | ثبات برنامه های درسی | انعطاف پذیری و فرایندی شدن برنامه های آموزشی و پژوهشی ( فرایندهای فرا رشته ای و میان رشته ای ) |
| ۷ | دانشگاه دولتی | نقش موسسات غیر دولتی در سرمایه گذاری و تولید آموزش عالی |
| ۸ | تامین هزینه های دانشگاه توسط دولت | تنوع منابع مالی و خودگردانی دانشگاه ها از طریق ارائه خدمات و تحقیقات به موسسات دولتی و خصوصی |
| ۹ | برنامه های درسی موضوع محور | محلی و منطقه ای شدن برنامه ریزی درسی و عدم تمرکز آن |
| ۱۰ | برنامه ریزی متمرکز و غیر قابل انعطاف آموزشی | فرایندهای آموزشی و پژوهشی مسساله نگر |
| ۱۱ | فعالیتهای علمی بسته، محدود و جداگانه | ارتباطات علمی با استفاده از فناوری های ارتباطی جدید و نظام نوین دانش رسانی، مشارکت لحظه به لحظه در شبکه تعاملی پژوهشهای جهانی |
| ۱۲ | دانشگاه درونگرا و در خود | دانشگاه برونگرا و پاسخگو به محیط ( ارتباط با صنعت، خدمات، رسانه ها و ... ) |
| ۱۳ | آموزش مستقیم و حضوری | آموزش از راه دور، نقش رایانه و فناوری چند |

| | | |
|---|---|---|
| | | رسانه ای در آموزش عالی |
| ۱۴ | برجستگی اخلاقی و فرهنگی دانشگاه | اهمیت نقش دانشگاه در تولید دانش و انباشت مهارتهای فکری، حرفه ای و خدمات تخصصی |
| ۱۵ | بی تفاوت بسبت به سیستم ابداعات | عامل موثر و توسعه دهنده سیستم ابداعات ملی |

**بخش دوم: تغییر محصولات دانشگاه ها و کاربردی تر شدن آنها**

بیان این نکته حائز اهمیت است که تا قبل از دهه ۱۹۶۰ دانشگاه ها بیشتر برنامه های خود را مصروف تولید و نشر علوم انسانی، هنر، علوم پایه و حرفه های آزادی چون حقوق و پزشکی مینمودند، اما در شرایط کنونی جهان، دانشگاه ها بیشتر به دنبال تولید و گسترش آموزشهای فنی و حرفه ای کاربردی مثل علوم ارتباطی، ریست محیطی، و حتی برنامه های بدون مدرک دانشگاهی هستند و هر روز نوع جدیدی از سطح دانشگاهی، مدرک و یا امتیاز مربوط به بازار در حال گسترش آموزش عالی معرفی مینمایند.

**بند اول: تغییر و تنوع در منابع مالی دانشگاه ها**

نقش پررنگ دولتها در تاسیس، توسعه و پشتیبانی دانشگاه ها کاهش یافته و با تغییر و متنوع شدن منابع مالی دانشگاه ها، نیز تقاضای فزاینده برای آموزش عالی فرصت حضور موسسات خصوصی که به نیت کسب سود وارد تولید آموزش عالی میشوند، بوجود آمده است.امروزه بخش بزرگی از فضای رقابتی تولید آموزش عالی و نیز تولید تحقیقات بنیادی، توسعه ای و کاربردی در اختیار موسسات خصوصی قرار گرفته است، که با اصول مدیریت موسسات خصوصی رهبری میشوند و البته موفق نیز هستند.

## بند دوم: منطقه ای و محلی شدن تولیدات آموزش عالی

در گذشته شاید علت متمرکز بودن دانشگاه ها در مراکز قدرت در کشورها به علت نیاز به منابع مالی سنگین، عدم توان بخش خصوصی در تولید آموزش عالی، کم بودن تقاضای موثر برای آن، و نیز با هدف تولید نخبه گان برای تصدی پستهای حساس دیوانی بوده است، اما امروزه کلیه مناطق و شهرها و استانهای کوچکتر و حتی محروم نیز هر یک به سهم و نوبه خود موسسات متفاوت آموزش عالی را تاسیس نموده و به تولید نیروی ماهر و متخصص برای تصدی شغلهای حساس خود می پردازند. بومی شدن دانش از فضای جهانی به فضای محلی و پاسخ به سوالات اساسی محلی و منطقه ای با وجود اعضای هیات علمی در دانشگاه های مستقر در استانها و مناطق محروم امکان پذیر گردیده و فرصت تعریف و اجرای پروژه های بنیادی، توسعه ای و کاربردی محلی و منطقه ای بوجود آمده است. این فرصت امروزه بسیاری از مسایل حاد مناطق محروم را ریشه یابی نموده و قدرت چانه زنی و رقابت را به این مناطق در مقابل سایر مناطق توسعه یافته تر داده است.

## بخش سوم: سیستم ابداعات ملی و نقش دانشگاه ها در تولید و گسترش آن

هر چند که پذیرش اثر دانشگاه ها به عنوان تولید کنندگان اصلی دانش، هیچگونه ابهامی در میان عموم ندارد، اما امروزه نقش دانشگاه ها را در شکل گیری و تاثیرگذاری سیستم ابداعات ملی نمیتوان نادیده گرفت. دانشگاه ها با تولید توده ای آموزش دیدگان فضای تفکر پیچیده، رفتار پیچیده و تقاضای پیچیده تر را در جامعه در حال تحول و دانش مدار امروزی بوجود می آورند. دانشگاه ها فرصت تبدیل دانش به محصول را در چرخه های مرکزی و ملی و نیز منطقه ای و محلی میدهند، و با تولید دانش بومی جدید امکان هر بار تولید محصولات جدیدتر را از طریق اختراعات، اکتشافات و نوآوری های وسیع و نهادینه شده در اجتماع بوجود می آورند. به هر حال عامل تکنولوژی تابعی از سطح سرمایه انسانی در جامعه است و با تولید کاربردی تر و وسیعتر سرمایه انسانی در جامعه با توزیع برابرتر، با ارائه فرصتهای ارتقای بالاتر ، استعدادهای بیشتری تحت آموزش و بهره وری قرار میگیرند،

و این خود یعنی چرخه ای که تکنولوژی و رشد را نهادینه و درونی مینماید. چرخه ای که تولید کننده، تضمین کننده و تامین کننده سیستم ابداعات ملی است. یک سیستم ابداعات ملی سیستمی ساخته شده از عوامل زیر است:

۱- تولید دانش سازماندهی شده در نظام آموزشی و تربیتی

۲- چهار چوب منظم و متناسب اقتصاد ملی شامل سیاستهای تجاری که بر تحول تکنولوژی مؤثر باشد

۳- بنگاههای نوآور و شبکه های کسب و کار

۴- زیرساختهای ارتباطی رضایت بخش و کافی

۵- عواملی چون پذیرش مبانی دانش جهانی و شروط اطمینان دهنده بازاری که به تکنولوژی معطوف میگردن.

امروزه با افزایش نقش دانشگاه ها در پشتیبانی و توسعه سیستم ابداعات ملی، منطق این سیستم نیز تمایل به قدرتمند تر شدن دارد و متقاضیان جدیدی برای نهادینه نمودن آن در بین کشورهای جهان سوم برای آن بوجود آمده است. هر چند کشورهایی که بخواهند ظرفیت تولید و نهادینه کردن سیستم ابداعاتشان را توسعه بخشند، میبایست زمینه معنی داری را برای بدست آوردن زیر ساختهای نسبی، نهادها و منابع انسانی آماده سازند.

ظاهراً کشورهایی که توانسته اند به این سطوح بالای تخصصی و تکنولوژیکی دست یابند به سطحی رسیده اند که بیش از ۳۰ درصد ارزش صادراتشان را کالاهای با تکنولوژی سطح بالا تشکیل میدهند. کشورهای هندوستان و برزیل در این میان توانسته اند به سطوح مناسبی از ظرفیت سیتم ابداعات ملی دست یابند. چند عامل مهم برای دستیابی به یک سیستم ابداعات ملی رضایت بخش وجود دارد:

نخست: عنایت به تسریع در آهنگ انجام تحقیقات علوم اجتماعی که بسیاری امور را در خصوص فرایند و ساختار ابداعات به جامعه یاد میدهد، و همین باعث رشد بدنه و زمینه ای

میشود که در انتخاب سیاستها و عملکردهایی که سرمایه گذاری در توسعه منابع انسانی را موثرتر مینماید، تصمیمات موثرتر و سریعتری اتخاذ شود.

دوم: بسیاری از انجمن های علمی بین المللی با استفاده از یک بازار ارتباطی قوی، همکاریهای متقابل و مناسبی دارند. از آنجایی که همگرایی و مشارکت تحقیقاتی در راستای نهادینه کردن فرهنگ دانش مداری و مبتنی دانش اثر بخش است. این انجمن ها و موسسات بین المللی نقش بسزایی را در این راستا ایفا مینمایند.

سوم: تکنولوژیهای ارتباطی جدید، گسترش و همه گیر کردن آنها امکان تولید و نشر سریع و موثر اطلاعات و دانش را بوجود آورده، و حتی در تولید دانشهای جدید نقش اساسی را دارا هستند.

چهارم: آنچه کشورها به شدت نیاز به توجه و در دستور قرار دادن آن دارند، استفاده موثر تر از دانش علمی و تکنولوژیکی است، نه بدان گونه که خود را دچار لبه برنده تحقیقات نمایند، بلکه آن سان که سیاستهای موثر و نهادهای توسعه یافته و ضروری علمی و تکنولوژیکی را در مسیری توسعه دهند که در موازات با تربیت مردم، بخشها و تولیدات توسعه یافته تر و جدیدی به بازار عرضه گردد (world bank, ۲۰۰۲).

چهار عامل اصلی نهادینه کردن سیستم ابداعات به نحوه موثری بر میزان تاثیرگذاری دانشگاه ها در جوامع بستگی دارند. هر چند دانشگاه ها نقش خود را در جامعه در حال تحول بهتر ایفا نمایند، بهتر میتوان حضور و تاثیر سیستم ابداعات ملی را مشاهده نمود.

## بخش چهارم: تشکیل سرمایه انسانی و نقش محوری دانشگاه ها در توسعه آن

دانشگاه ها اصلی ترین تولیدکننده سرمایه انسانی و تنها پشتیبانی کننده چهارچوبی هستند که میتواند نیازهای رشد اقتصادی را در یک جامعه مبتنی بر دانش تضمین نمایند. هرچند توزیع برابرتر و عادلانه تر امکانات آموزش عالی در کنار بومی بودن و بومی شدن مهارتها و نتایج تحقیقات دانشگاهی در این راستا هم میتواند جمعیت بزرگتری را زیر

پوشش قرار دهد و هم مسائل کاربردی تری را در خصوص توسعه و رشد مناطق حل نماید. تاثیر نقش دانشگاه ها در تولید هرچه بیشتر و بهتر سرمایه انسانی نیازمند عواملی چند است که باید به آنها اشاره نمود.

**بند اول: تولید سرمایه انسانی سطح بالاتر و بیشتر**

تولید سرمایه انسانی موثرتر- و قوی تر- در حل مشکلات رشد و توسعه و دربرگرفتن دامنه وسیع تری از جمعیت در عرضه این تولیدات علمی، ابعاد اصلی مساله توسعه هستند. همواره توسعه بالاتر بیاز به انسانهای توسعه یافته تر دارد و هر چقدر سطح دانش و تعداد افراد توسعه یافته بیشتر باشد، میتوان نهادینه و درونزا شدن رشد و توسعه را امکان پذیرتر قلمداد نمود. اقتصادهای دانش مدار مهارتهای سطح بالاتری را در ترکیب نیروی کار تقاضا میکنند. در اقتصادهای OECD نسبت شاغلین با تحصیلات عالی در حال افزایش است و در سال ۲۰۰۰ تقریباً دو برابر سال ۱۹۷۵ بوده و از ۲۲ درصد کل شاغلان این نسبت به ۴۱ درصد رسیده است. مطالعات روی داده های بازارکار در کشورهای کانادا، انگلستان و امریکا یک تقاضای پیوسته فزاینده را برای جوانان با سطح تحصیلات دانشگاهی نشان میدهد. مطالعات اخیر برروی نرخهای بازده آموزش عالی در چندین کشور امریکای لاتین نشان میدهد که روند توسعه سرمایه انسانی همراستا با موفقیت این کشورها در توسعه اقتصادی است. برای مثال در آرژانتین، برزیل و مگزیک نرخ بازده آموزش عالی رشد معنی داری در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در مقایسه با دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نشان میدهد ( Pessino ۱۹۹۵; Barros and Ramos ۱۹۹۶; Lachler ۱۹۹۷ ). افزایش تقاضا برای نیروی کار با مهارت بالاتر نه تنها بر روی دستمزدها تاثیر داشته است، بلکه برروی فرصتهای استخدام نیز تاثیر گذارده است. تجارب روسیه این موضوع را تایید مینماید. هنگام فروپاشی شوروی سابق بیکاران روسیه دارای ترکیب تقریباً یکسانی از تحصیل کرده و یا غیر آن بودند، درحالی که در سال ۱۹۹۶ این نسبت به شدت برای افراد با تحصیلات عالی کاهش یافته است( Foley ۱۹۹۷ ).

**بند دوم: آموزش و تربیت مادام العمر**

دومین بعد در محور توسعه سرمایه انسانی و تغییر نگاه دانشگاه ها در این موضوع مهم، تغییر در نیازهای آموزشی و تربیتی، دانش، مهارت و اشتغال، پیوستگی و بهنگام سازی ظرفیتها و کیفیات سرمایه انسانی افراد در طول دوران زندگی آنهاست. در کشورهای OECD روشهای سنتی مطالعه در دوره های محدود و مجزای زمانی برای بدست آوردن مدارک متوسطه و دانشگاهی تا قبل از زندگی حرفه ای با یک مدل آموزش و پرورش مادام العمر جایگزین شده اند. مفهوم " یادگیری مادام العمر برای همه " در سال ۱۹۹۶ بوسیله وزارت آموزش و پرورش کشورهای OECD پذیرفته شد و این نشان دهنده دیدگاه جدیدی در اتخاذ سیاستهای آموزش و پرورش بر پشتیبانی از توسعه بر مبنای دانش بود( world bank, ۲۰۰۲). روش یادگیری مادام العمر بر یادگیرندگان و نیازهای آنها مبتنی است. کارگران دانشجو، دانشجویان تمام وقت، دانشجویان درخانه، دانشجویان در سفر، دانشجویان پاره وقت، دانشجویان روزانه، دانشجویان شبانه، دانشجویان پایان هفته و ... نمونه های جدیدی از تقاضاهای جدید هستند که بر اساس ضروری بودن برنامه ها و تمایل یادگیرندگان، چندین برنامه یا نهاد موازی برای پاسخگویی به این نیازها طراحی و اجرا خواهد شد. موضوع با اهمیت دیگر شتاب یافتن و گسترش تکنولوژی و علم در جهتی است که تاکید بر بخاطر آوردن محاسبات و حقایق سریع و بر مبنای داده ها و نیز اهمیت یافتن مهارتهای تحلیلی سریع بیش از پیش دارد. امروزه یادگیری نیاز به افزایش مبانی و ظرفیت دریافت و پذیرش دانش و استفاده از آن برای حل مسائل را دارد، یادگیری چگونه یادگرفتن، یادگیری تغییر شکل دادن به اطلاعات و تبدیل آن به دانش جدید از طریق دسته بندیهای متنوع و جدید، یادگیری انتقال دانش جدید و کاربرذی کردن آن، مهمتر از بخاطر سپردن اطلاعات تخصصی است. این اصل بنیادی مهارتهای تحلیلی جدید است که توانایی جستجو و دریافت اطلاعات، ابهام زدایی در توضیح، فورموله کردن، مدل بندی و نوشتن آن به شکل آزمون پذیر، آراستن و ارزشگذاری هنگام ارائه و حل مسائل به دنبال دارد.

## بند سوم: اخذ گواهینامه ها و درجات کیفی بین المللی

سومین بعد تغییر در محور توسعه سرمایه انسانی و نقش دانشگاه ها، رشد جاذبه های درجه بندی و اخذ گواهینامه های با درجه بندی قابل قبول بین المللی است. در اقتصاد جهانی بنگاههای محلی در هر جایی که تولید کنند، محصولاتشان را در بازار جهانی با استانداردهای جهانی به فروش میرسانند و همواره در رقابت با بنگاههای خارجی هستند، و حتی برای دستیابی به بازارهای داخلی ضرورت رقابت با بنگاههای کشورهای دیگر را فراروی خود دارند؛ بر همین اساس تقاضا برای اخذ گواهینامه ها و درجه بندی های بین المللی روز بروز در حال افزایش است، مخصوصاً در زمینه های مدیریت و کیفیت محصول.

## بخش پنجم: دانشگاه ها، یکپارچگی جهانی و دموکراسی

تطبیق تغییرات محیطی نه تنها یکی از عوامل شکل گیری نهادهای آموزش عالی است، بلکه آنها را به تکنولوژی های جدید نیز رهنمون مینماید. اطمینان از اینکه دانشجویان به دانش جدید برای مقایسه نیازهای ارزشی و زندگی در پاسخگویی و مسئولیت پذیری در جوامع یکپارچه جهانی از دموکراسی های شهرنشینی جدید تجهیز شده اند بسیار با اهمیت است. یک آموزش قرن جدید می باید همه تصورات و نیازهای انسان دانش مدار نوآوری و جدیدبودن را ظرفیت سازی نماید. این موضوع نه تنها میبایست با اخذ دانشهای جدید جهانی همراه باشد، بلکه فرهنگها و ارزشهای محلی را نیز دربرگرفته و برای آماده کردن انسانهای امروزی در راستای پذیرش مقوله جهانی شدن فلسفه، ادبیات و هنر که زبان مشترک همه انسانها هستند دربر میگیرد. این موضوع که افراد در یک بازار کار جهانی میبایست همگن باشند، همچنین توانایی های مهارتی و ادراکی همگنی میباید در آنها وجود داشته باشد. امکان استفاده از دانش جهانی و تاثیر گذاری بر آن، همه وهمه بر ایجاد فضای مشترک دموکراتیک و ساختارهای یکپارچه اجتماعی ملتها تاکید دارند. تشکیل سرمایه اجتماعی، درک عمومی، منافع مشترک، عضویت در شبکه های جهانی مشترک و انجمنهای مربوطه، پذیرش توافقنامه ها، قوانین و پروتوکلهای مشترک، ضمانتنامه ها، بیمه

ها، گارانتی ها و حسابرسی های بین المللی، تامین امنیت جهانی، حفظ محیط زیست، ارتباطات بین الملل، همه وهمه به معنی حضور در یک ساختار بین الملل جدید و یک دموکراسی هم معنی با جوامعی در هم رفته است. آموزش عالی همچنین نقش مهمی در این راستا در تحرک بین الملل بعهده گرفته است. اهمیت تولید دانش مورد پذیرش عمومی، دسته بندی و انتشار آن، تولید آموزشهای شهرنشینی، حرکت در همه سطوح به همراه خلق فرصتهای جدید آموزشی برای همه گروهها در جامعه مخصوصاً برای مردم فقیر از ضروریات توجه آموزش عالی در تولید فرصتهای برابر برای پیشرفت است.

**بخش ششم: تغییر چشم انداز دانشگاه ها و تحول در شکل و محتوا**

در خلال دو دهه گذشته بسیاری از کشورها نمونه های متنوعی از بخشهای آموزش عالی را تجربه کرده اند. به نظر میرسد نهادهای متنوع جدیدی در این راستا بوجود آمده اند، دانشگاه های سنتی، انستیتوهای تکنولوژی (کوتاه مدت) و کالجهای مشترک، پلی تکنیکها، مراکز آموزش عالی در جوامع در حال تحول بوجود آورده اند. به نظر میرسد میتوان امواج تغییر در چشم انداز آموزش عالی را در فرایند تحول تاریخی ملتها دسته بندی نمود. میتوانیم موج اول را دوره ای بدانیم که نهادهای آموزش عالی دولتی بوده و به صورت سنتی به تربیت نخبه گان و تولید دانش محض پایه ای بر اساس برجستگی های خاص اخلاقی و اجتماعی میپرداختند، و تربیت شدگان این دانشگاه ها نیز اغلب پستهای دیوانی و دولتی را بدست گرفته و از خانواده های مرفه بودند. دانشگاه ها در مراکز قدرت قرار داشته و تامین مالی آنها اغلب از طریق بودجه های دولتی صورت میگرفت. دانشگاه هایی درونگرا با غلبه جنسی مردان و محصولاتی با برد ملی و جهانی، و توزیعی کاملاً نابرابر از نظر جغرافیایی. موج دوم زمانی شروع شد که نهادهای بخش خصوصی توان و تمایل حضور در تولید آموزش عالی را بدست آورده و حکومتها نیز به سطحی از بلوغ رسیدند که به بخش خصوصی در این زمینه اجازه فعالیت دادند.دانشگاه های جدید منابع مالی خود را متنوع نموده و بر اساس اصول تجاری اداره شدند. تغییر در نگرش مدیریتی دانشگاه ها محصولات آنها را متنوع ساخت و نحوه اداره کردن متفاوت دانشگاه ها، فرایندهای آموزشی را

دستخوش تغییر نمود. این فضا فرصت بهره برداری اقشار بیشتری را در جوامع از آموزش عالی بوجود آورد و همین روند توسعه و رشد اقتصادی کشورهای جهان سوم را با بهره برداری از این فرایندها و محصولات جدید امکان پذیرتر نمود. رفته رفته جمعیت بزرگتری برخوردار از خدمات آموزش عالی گردیدند و بیداری اجتماعی توانست در جوامع یکپارچه شده جهانی سیل تقاضای توده ای برای آموزش عالی را رقم زد.تقاضایی که دیگر حتی دانشگاه های خصوصی نیز با برنامه های متنوع و گسترده نتوانستند به پاسخ آن برخیزند. ظرفیت تقاضای آموزش عالی در سراسر جهان شدت گرفت و مخصوصاً زنان در مواجهه با موج بیداری و جنبش های توسعه انسانی به سود زنان، نقشهای مهمتر و بیشتری را در جوامع بدست گرفته، تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی را با سرعتی شتابناک گسترش دادند. تقاضایی که در سراسر جهان تولید کنندگان آموزش عالی را ناکام از پاسخ گذاشت، چرا که ابزار و امکان عرضه آنحتی با تامین منابع مالی در دسترس نبود و به یکباره نیز امکان تجهیز آن وجود نداشت. موج سوم تولید آموزش عالی زمانی شکل گرفت که در فضای شدیداً رقابتی عرضه و تقاضای مؤثر مناسب، میبایست ابزار و توزیع عرضه آموزش عالی را عوض نمود و برای پاسخ به تقاضاهای محلی و منطقه ای اقدامات اساسی نمود. این موج به بومی کردن دانش، پاسخ به تقاضاهای منطقه ای و بومی و نیز تأمین نیازهای تخصصی غیر ملی و جهانی انجامید، و نهادهای متنوعی را با اشکال رقابتی در مباحث آموزشی، مدارک تحصیلی و مفاهیم آموزشی و تقریباً موفق در شکستن محدودیتهای جغرافیایی، بوجود آورد. نهادهایی از این دسته:

۱- دانشگاه های مجازی؛ شامل دانشگاه های روی خط و ...

۲- دانشگاه های آزاد؛ شامل دانشگاه های با قوانین بازتر، مدارک بدون درجه بندی، بدون کنکورهای ورودی، منابع مالی آزاد، و خارج از قید و بندهای قوانین دست و پاگیر.

۳- دانشگاه های مشارکتی؛ شامل دانشگاه هایی با استفاده از امکانات، تجهیزلت و اعضای هیأت علمی سایر دانشگاه ها که میتوانند در یک منطقه جغرافیایی دیگر نیز خدمات رسانی کنند و یا در دانشگاه های کوچکتر مدارک و مدارج عالی کارشناسی ارشد و دکتری را تولید نمایند.

۴- نهادهای غیر دانشگاهی آموزش عالی؛ شامل مؤسسات پژوهشی وابسته به شرکتهای بزرگ، موزه ها، آزمایشگاهها، خبرگزاریها و سایر مؤسساتی که در قیود دانشگاه بودن نیستند ولی تولیدات دانشگاهی دارند.

۵- کارگزاران آموزش عالی؛ شامل دفاتر نمایندگی رسمی و غیر رسمی که دانشگاه های بزرگ در مناطق جغرافیایی متفاوت سایر کشورها احداث نموده، از طریق شناسایی نخبه گان محلی و سرفصلهای خود ترکیب مناسبی را برای تربیت نخبه گان جدید تحت لیسانس و مدرک تحصیلی خود بوجود می آورند.

**بخش هفتم: چالش های فراروی آموزش عالی در قرن جدید**

هر چند تحولات شگرفی در فرایند، محصول، شکل و محتوای دانشگاه ها صورت گرفته است و دانشگاه ها هر بار توانسته اند نتایج بهتری را در پاسخگویی به نیازهای متنوع و جدید ارائه دهند، اما به نظر میرسد مواردی وجود دارد که دانشگاه ها را در مقابل چالشهای بزرگی قرار میدهند. مواردی که بیشتر در محتوا و کمتر در شکل، کارایی و اثر بخشی دانشگاه ها را تحدید مینمایند. این تحدیدها جدی است و در فضای امروزی، انقلاب مدیریتی میبایست در مواجهه با مدیریت دانشگاه ها چاره ای برای آن بیندیشد. چالش هایی که امروز آموزش عالی با آنها مواجه است از این قرار هستند:

## بند اول: کنترل کیفیت

آنچه در یک چرخه و جریان تحول مشاهده میشود، تحول و تغییرات اساسی در شکل و محتوای دانشگاه هااست. دانشگاه ها توانسته اند به درستی محتوا و نحوه ترکیب بندی اجزای خود را تغییر دهند، اما هنوز ابزارهای سنجش کیفیت آموزش عالی در فارغ التحصیلان آن بسیار ناکارآمد است و اختلاف فاحشی بین سطوح توان کارشناسی و تخصصی فارغ التحصیلان دانشگاه های متفاوت دیده میشود. تفاوتهایی که گاه اصالت بعضی مدارک دانشگاهی را زیر سؤال میبرد و هنوز استاندارد آموزشی در شناسایی کیفیت محصولات متنوع وجود ندارد. آزمون های سنتی و نحوه سنجش توان تخصصی و مهارتی دانشجویان هنوز دستخوش تغییر اساسی نشده است. هر چندروشهای علمی یادگیری و اصول روانشناسی آن ناکارآمد بودن شیوه آزمون کنونی را که وابسته به نظر استاد درس بوده ونمیتوان برای هیچ دو استادی صفر مطلق یکسانی برای میزان یادگیری دانشجویان فرض نمود، ثابت نموده است، ولی تا کنون روشهای جدید و مناسبی برای جبران ناکارآمدی در شناسایی کیفیت و استاندارد سازی سطح اطلاعات، تولید و عرضه نگردیده است. این موضوع به عنوان یکی از مهمترین چالشهای فراروی آموزش عالی خودنمایی مینماید.

## بند دوم: عدالت آموزشی و توزیع فرصتهای ارتقاء

عدالت آموزشی برای توزیع فرصتهای برابر ارتقاء را میتوان در ابعاد عدالت جغرافیایی، عدالت طبقاتی و عدالت جنسی دنبال نمود. عدالت جنسی که به نظر میرسد موضوعی حل شده باشد و حضور زنان در امواج گسترده در سالهای اخیر حتی سیاستگذاران را بر آن میدارد که برای افزایش انگیزه و امکان ورود مردان تا به حد برابر زنان برای حضور برای حضور در دانشگاه ها دست به اقداماتی بزنند. عدالت جغرافیایی و عدالت طبقاتی خود را در واژه های برابری جغرافیایی و برابری طبقاطی نشان میدهند. هر چند دانشگاه ها امروزه توانسته اند در مناطق دور افتاده تر و مخصوصاً محروم خدمات خود را ارائه نمایند، ولی

هنوز طبقات محروم بسیاری از آموزش عالی محروم هستند و فقر ملتها مانع جدی در دسترسی آنها به آموزش عالی گردیده است. مخصوصاً با تغییر فرایندهای مدیریتی و منابع مالی دانشگاه ها که بخش خصوصی را فعالتر در عرصه این بازار نموده است و جبران هزینه های این مؤسسات خصوصی برای اقشار آسیب پذیر و مخصوصاً محرومان جامعه امکان پذیر نیست. به نظر میرسد چالش مهم دوم در مقابل دانشگاه ها، پاسخگویی به این نیاز یعنی توزیع برابرتر جغرافیایی و طبقاتی محصولات آنهاست. با این وجود به نظر میرسد افزایش امکانات و تجهیزات و امکان دسترسی بیشتر محرومان به دانشگاه ها و اعضای هیأت علمی حتی با روشهای دانشگاه مجازی، آزاد و یا مشارکتی میتواند یکی از توزیعهای ازنوع پارتویی باشد، چرا که در این راستا همه اقشار امکان بهره برداری بیشتری بدست می آورند و نمی توان گروهی را یافت که زیان دیده باشند. لذا توصیه کارشناسان این زمینه به سیاستگذاران همواره با یک پشتوانه مناسب علمی نیز همراه است و تغییرات پارتویی همواره بهترین تغییرات و تخصیصهای مجدد در توزیع های مجدد هستند.

**بند سوم: انقلاب مدیریتی**

هر چند تحولات در علم مدیریت مخصوصاً پس از جنگ جهانی دوم و برقراری اصول دمینگ در مدیریت روز، جهان مدیریت را دگرگون نموده است و این تحولات نیازهای جدیدی را برای استفاده بخشها و بنگاههای اقتصادی از آموزش عالی هم از نیروهای تربیت شده و هم از تحقیقات بنیادی، توسعه ای و کاربردی بوجود آورده است. اما همواره این سؤال اساسی وجود دارد که نحوه نهادینه کردن اصول دمینگ در بهره وری و مدیریت دانشگاه ها چگونه باید باشد و آیا کارایی خارجی و داخلی آموزش عالی در انطباق با اصول دمینگ در مدیریت سنجیده شده است؟ آیا دانشگاه ها برای مدیریت تحول و پاسخگویی به نیازهای روز میتوانند از اصول دمینگ استفاده کنند و آیا این اصول در پاسخ به نیازهای به شدت فزاینده روز آموزش عالی کافی هستند ویا میبایست الگوهای جدیدی را طراحی نمود؟

**بند چهارم: انقلاب اطلاعاتی**

در جهان امروزی که در کمتر از هفت سال حجم اطلاعات تولیدشده توسط بشر که بخش بزرگی از آن توسط دانشگاه ها تولید میگردد، به نظر میرسد یکی از چالشهای مهم فراروی آموزش عالی دسته بندی، پردازش، فرآوری و انتشار دقیق و در ست این اطلاعات باشد، که هم در تولید محصولات جدید نقش اساسی را داراست و هم در تولید نیازهای جدید برای مصرف محصولات جدید.

**بند پنجم: آموزش عالی و نظام پرداختها**

قاعدتاً نظام پرداختهای اجتماعی حاکی از پرداختهای اجتماعی در مقابل دریافت خدمت و یا کالایی است که مورد استفاده است. آنچه به نظر میرسد این موضوع است که آیا همواره نظام پرداختهای اجتماعی میتواند عامل درست و دقیقی در نشان دادن نیازهای تخصصی و حرفه ای ویا اجتماعی برای آموزش عالی باشد و اگر دانشگاه ها به دنبال نظام پرداختهای اجتماعی محصولات خود را تولید و عرضه نمایند، آیا تخصیص منابع داخلی و خارجی به صورت کارا صورت گرفته است؟ میدانیم که نظام پرداختهای اجتماعی در مقابل بسیاری از رشته های دانشگاهی محض و رشته های پایه ای اصیل علامتهای کامل و مؤثری منتشر نمی نمایند. آیا این رشته ها میبایست از سرفصل رشته ها حذف گردند؟ و منابع در اختیار آنها به رشته های دیگر منتقل گردد؟ به هر حال یکی از چالشهای اصلی آموزش عالی در قرن جدیدتطابق، تقابل و یا هم سویی با نظام پرداختهای اجتماعی خواهد بود.

**بند ششم: دانشگاه ها و بیکاری**

هر چند دانشگاه ها همواره در فرایند رشد و توسعه اقتصادی نقش محوری را بازی نموده اند، اما چالش بزرگ بیکاری – چه بیکاری عمومی و چه بیکاری فارغ التحصیلان – یکی از مهمترین عوامل پیش روی دانشگاه هاست که کارایی خارجی آنها را زیر سؤال میبرد. غالباً این موضوع بسیار با اهمیت است که وقتی دانشگاه ها تولید کننده سرمایه انسانی هستند و

نیروی متخصص و ماهر تولید میکنند، اگر پیش بینی صحیح و برنامه ریزی دقیقی در این زمینه نداشته باشند، همواره اینگونه نیست که بازار بتواند با تخصیص رقابتی کلیه فارغ التحصیلان آنها را به اشتغال درآورد و شکست بازار در این زمینه ضرورت حضور دخالت در فرایندهای تولید سرمایه انسانی و نیروهای متخصص و ماهر از طریق پیش بینی و برنامه ریزی را ایجاب مینماید. از سوی دیگر همواره یکی از نیازهای اساسی دولتها به دانشگاه ها کاهش تنش های اجتماعی و زیان بیکاری از طریق سیال کردن بازار کار است. در غیر این صورت اینگونه به نظر میرسد که دانشگاه ها کارایی خارجی خود را از دست خواهند داد. این سؤال یکی از چالشهای اساسی فرا روی آموزش عالی در قرن جدید خواهد بود.

## نتیجه گیری

نهایتاً و در جمع بندی پایانی این مقاله باید گفت در این پژوهش سیستم ابداعات ملی به عنوان یک اصل مورد بررسی و شکافت قرار گرفت و برخی از عوامل مؤثر بر تولید و گسترش آن بیان گردید. در این خصوص عنایت به تسریع در آهنگ تحقیقات علوم اجتماعی، تشکیل نهادها و انجمن های بین المللی و توسعه ارتباطات بین آنها و دانشگاه ها و نیز استفاده از تکنولوژی های ارتباطی جدید مورد تأکید قرار گرفت. بخش سوم مقاله به بحث تولیدی سرمایه انسانی به عنوان عامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی پرداخت که در آن به موضوعات تولید سرمایه انسانی بالاتر و بیشتر، آموزش و تربیت مادام العمر و اخذ گواهینامه های بین المللی تأکید شد. قسمت چهارم به موضوع یکپارچگی جامعه جهانی و نقش دانشگاه ها در نهادینه کردن دموکراسی در جامعه جهانی اشاره شد و در این راستا روند تاریخی تحول در آموزش عالی به صورت موجهای سه گانه به بحث و بررسی گرفته شد. این بحث با معرفی پنج گروه از نهادهای جدید آموزش عالی و عرضه کننده محصولات دانشگاهی هرچند با ماهیتی غیر دانشگاهی به پایان رسید. در قسمت انتهایی مقاله چالشهایی که آموزش عالی در ابتدای قرن بیست و یکم با آنها مواجه خواهد بود مورد معرفی قرار گرفت. مباحث کنترل کیفیت و استانداردسازی فارغ التحصیلان دانشگاه ها، انقلاب مدیریتی، انقلاب اطلاعاتی، عدالت آموزشی و توزیع برابر فرصتهای ارتقاء، آموزش

عالی و نظام پرداخت ها، آموزش عالی و بیکاری و نیز آموزش عالی و کلید طلایی بازار کار مباحثی بودند که به عنوان چالش فراروی آموزش عالی خواهند بود.

در انتها می توان پیشنهادات زیر را که بر گرفته از مطالب این مقاله هستند عنوان نمود:

۱- پیشنهاد می گردد برای بهبود فرایند منطقه ای شدن کارکرد دانشگاه ها و امکان استفاده آنها از منابع مالی متنوع تر، هرچه بیشتر امتیازات مدیران و تصمیم گیران دانشگاه های مناطق و استانها افزایش می یابد.

۲- در راستای نهادینه و درونزا گردیدن سیستم ابداعات ملی پیشنهاد می گردد از طریق مشارکت اعضای هیأت علمی، بنگاه های نوآور و وابسته به دانشگاه ها طراحی و تأسیس گردند که وظیفه کاربردی کردن دانش محض و نیز استفاده از ایده های جدید را بدون رعایت قوانین دست و پاگیر دولتی به عهده گرفته، بتوانند پاسخ های منطقی تری به سوالات بومی رشد و توسعه بدهند.

۳-سیستم ابداعات بدون وجود زیر ساختارهای ارتباطی کافی رضایت بخش نهادینه نمی گردد. پیشنهاد می گردد بودجه جدا و مشخص جهت تجهیز و راه اندازی دانشگاه ها به ساختارهای تولید و انتقال اطلاعات بر اساس فناوریهای جدید اختصاص یابد.

۴- پیشنهاد می گردد در راستای عنایت به تسریع درآهنگ انجام تحقیقات علوم اجتماعی سیاست های مناسب طراحی و منابع مالی لازم اختصاص یابد.

**منابع و مآخذ**


- شاه ولی، منصور و حسین آزادی؛ بهبود بهره وری در آموزش عالی، چاپ نشده، بخش ترویج و. آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.
- فراستخواه، مقصود و احمد کبریایی؛ " آموزش عالی در آستانه قرن جدید (گزارشی از کنفرانس جهانی آموزش عالی در پاریس)" فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۷.
- هینچلیف، کی؛ " آموزش و پرورش و بازار کار " مترجم ، مقاله بر گرفته از دانشنامه جهانی " آموزش و پرورش".
- لوین، اچ. ام؛ " کار و آموزش و پرورش " مترجم ، مقاله بر گرفته از دانشنامه جهانی " آموزش و پرورش".
- لاماس، آی؛ " آموزش و پرورش و بازار کار در کشورهای در حال توسعه" مترجم ، مقاله بر گرفته از دانشنامه جهانی " آموزش و پرورش".
- فریمن، آر. بی؛ " کشش های تقاضا و عرضه برای نیروی کار تحصیل کرده " مترجم ، مقاله بر گرفته از دانشنامه جهانی " آموزش و پرورش".
- هوپرز، دبلیو؛ " آموزش و پرورش و کار تولیدی " مترجم ، مقاله بر گرفته از دانشنامه جهانی " آموزش و پرورش".
- کارنوی، ام؛ " آموزش و پرورش و تقسیم جهانی جدید نیروی کار " مترجم ، مقاله بر گرفته از دانشنامه جهانی " آموزش و پرورش".
- The World Bank(۲۰۰۲); Constructing Knowledge Societies: New Challenges for Tertiary Education, Washington, D.C.

- Barros, R., and L. Ramos. ۱۹۹۶. “Temporal Evolution of the Relationship between Wages and Education of Brazilian Men.” In Nancy Birdsall and Richard H. Sabot, eds. *Opportunity Foregone: Education in Brazil.* Inter-American Development Bank. Baltimore, Md.: Johns Hopkins University Press.
- Lachler, U. ۱۹۹۷. “Education and Earnings Inequality in Mexico.” World Bank, Washington, D.C. Processed.
- Pessino, C. ۱۹۹۵. “Returns to Education in Greater Buenos Aires ۱۹۸۶–۱۹۹۳: From Hyperinflation to Stabilization.” Working Paper ۱۰۴ (June). Centro de Estudios Macroeconḿicos de Argentina, Buenos Aires.